

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 14, No. 2, (Serial. 28), Summer 2021

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

Historical Stages of the Formation of the System of Economic law in the Holy Quran

DOI: 10.30497/quran.2021.14092.2744

Mohsen Farivar Yeganeh*

Hady Salmyy**

Reza Shokrani***

Received: 28/11/2020

Accepted: 03/01/2021

Abstract

In the pre-Islamic era, due to the prosperity of trade, many economic transactions were made, but the legal system that ruled that time was simple and had many deviations. These deviations led to class divisions and the loss of the rights of the weak. In its educational path, the Holy Qur'an refers to issues such as contract law, ownership, and the proper conduct of economic transactions. Quranic verses have been revealed in a historical context, so contemplation on them in accordance with the order of revelation and according to the events and audiences of the time of revelation can clarify new points for the commentator. The present study first determines the order of revelation and arrangement of verses related to the discussion and then tries to discover the stages of institutionalization of divine commands by comparing these verses. With this method of studies, it was obtained that the legislation of the economic law system of the Holy Quran is discounted in three stages; Culture-building, jurisprudential-legal expression of rulings and consolidation of contracts have taken place.

Keywords: *Islamic economics, economic law, date of revelation of the Qur'an, discount-thematic interpretation.*

* PhD student in Quran and Hadith Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

m.farivaryeganeh@yahoo.com

** PhD student in Quran and Hadith Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
(Corresponding Author)

salmyyy@gmail.com

*** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

r.shokrani@gmail.com



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، مقاله پژوهشی، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۱۳-۲۳۷

مراحل تاریخی شکل‌گیری نظام حقوق اقتصادی در قرآن کریم

DOI: 10.30497/quran.2021.14092.2744

محسن فریور یگانه*
هادی سلیمی**
رضا شکرانی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱
مقاله برای اصلاح به مدت ۳۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

در دوران جاهلیت به دلیل رونق تجارت، معاملات اقتصادی زیادی انجام می‌شد ولی نظام حقوقی حاکم بر آن دوران ساده و دارای انحرافات زیادی بود به گونه‌ای که موجب شکاف طبقاتی و از بین رفتن حقوق ضعیفان می‌گردید. از این رو قرآن کریم در مسیر تربیتی خود به مسائلی مانند حقوق قراردادهای، مالکیت و شیوه صحیح انجام مبادلات اقتصادی اشاره کرده است. پرواضح است این آیات در یک بستر تاریخی نازل شده‌اند لذا تدبیر در آن‌ها مطابق با ترتیب نزول و با توجه به حوادث و مخاطبان عصر نزول می‌تواند نکات جدیدی را پیش روی مفسر قرار دهد و مراحل تکوین و تطور گزاره‌های مرتبط با آن را روشن کند. پژوهش حاضر جهت نیل بدین هدف، ابتدا مطابق با روایات معتبر، ترتیب نزول چنین آیات مرتبط با بحث را مشخص کرده و در ادامه سعی بر آن شده با مقارنه این آیات، مراحل نهادینه‌شدن دستورات الهی را کشف کند. با این شیوه مطالعاتی بدست آمد که تشریح نظام حقوق اقتصادی قرآن کریم به صورت تنزیلی در سه مرحله؛ فرهنگ سازی، بیان فقهی - حقوقی احکام و تثبیت قراردادها صورت پذیرفته که شرح جزئیات آن در مقاله بیان شده است.

واژگان کلیدی

اقتصاد اسلامی، حقوق اقتصادی، تاریخ نزول قرآن، تفسیر تنزیلی - موضوعی.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. m.farivaryeganeh@yahoo.com
** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) salymyy@gmail.com
*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. r.shokrani@gmail.com

طرح مسئله

به گواه دانشمندان علم اقتصاد؛ از جمله عوامل نهادی تاثیرگذار بر رشد اقتصادی، عادلانه بودن حقوق روابط دو سویه مالی یعنی مواردی هم‌چون؛ اعتماد کارگزاران به قواعد جامعه و به طور ویژه قراردادهای و حقوق مالکیت است (نورث، ۱۳۷۷، ص ۲۷)، چراکه قوانین و مقررات قراردادهای می‌تواند به کاهش «هزینه مبادله» (transactions costs) کمک کند و شایسته است در هنگام انعقاد قرارداد طرفین حقوق و وظایف متقابل را در همه حالاتی که احتمال وقوع آن در زمان اجرای قرارداد وجود دارد مشخص نمایند. بدیهی است در صورت مشخص نبودن قواعد قرارداد موجب چانه زنی‌های طولانی و انصراف طرفین یا انعقاد قرارداد ناقص می‌گردد. حال آن‌که با مشخص شدن قواعد مفروض بر قراردادهای افراد از تحمل بخش مهمی از هزینه‌های مبادله مانند هزینه‌های انعقاد و اجرای قرارداد و هزینه نظارت معاف خواهند شد و این امر کمک شایانی به تسهیل مبادلات و در نتیجه ارتقای کارایی اقتصاد خواهد کرد (شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۵).

از همین رو قرآن کریم نیز در مسیر تربیت و رشد‌آفرینی خود به این موضوع توجه زیادی کرده و با وضع قوانینی سعی بر سامان دادن مبادلات اقتصادی در بین مسلمانان نموده است. مؤلف «اقتصادنا» در این باره می‌نویسد:

«اسلام با وضع مقررات مخصوص با مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی ضمن رشد معنوی و انسانی احتیاجات و امیال مادی را نیز برآورده می‌کند»
(صدر، ۱۳۵۷، ص ۶۹).

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش‌های زیادی در زمینه نظام حقوق اقتصادی قرآن انجام شده ولی به صورت تفسیر تنزیلی - موضوعی کمتر اثری در این زمینه وجود دارد و از این جهت موضوع این پژوهش نو و تازه است.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ نخست شرایط تاریخی و فضای نزول آیاتی است که بیانگر حقوق قراردادهای است و دیگری مقایسه و در کنار هم نهادن آیات متحد الموضوع به ترتیب نزول است. به دیگر سخن این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که: قرآن کریم نسبت به نظام حقوقی جاهلیت چه برخوردی کرده است؟ آیا با مقارنه آیات مرتبط با حقوق قراردادهای، تغییر و تحولی در تشریح آن دیده می‌شود و به تدریج مفاهیم جدید افزوده شده است؟ یا یک مفهوم ثابت در آیات مختلفی مورد تأکید قرار گرفته است؟

گفتنی است مراد از ترتیب نزول در این پژوهش ترتیبی است که در روایات ذکر شده که از معتبرترین آن‌ها روایت عطا و ابوکریم از ابن عباس است که در تفاسیر و کتب علوم قرآنی - معمولاً در بخش «معرفة المکی و المدنی» - انعکاس یافته است. برخی از معاصران نیز با بررسی

تطبیقی این روایات و رفع عیوب آن‌ها جداولی را در ترتیب نزول قرآن تهیه کرده‌اند. مانند نگارنده «درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن» (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲) و مؤلف «تفسیر تنزیلی قرآن» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵) که این جداول دارای اختلافات جزئی هستند و تا حدود زیادی می‌توانند راهگشا باشند.

۱. نظام حقوق اقتصادی در جاهلیت

آن‌گونه که در منابع تاریخی بیان شده؛ شمال شبه جزیره عربستان در پیش از اسلام، به دلیل زندگی قبیله‌ای فاقد نظام حقوقی خاصی در زمینه انعقاد و اجرای قراردادهای مالی بود. از سوی دیگر شیوه‌های نامتعارف از مبادلات اقتصادی بین آن‌ها رواج داشت که موجب شکاف طبقاتی و مانع از رشد اقتصادی می‌شد. از جمله این موارد می‌توان به رباخواری، منابذه، ملامسه، معاومه، مزابنه و... اشاره کرد (افغانی، ۱۹۷۴، ص ۴۹). به طور کلی معاملات عصر جاهلی را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد؛

۱-۱. معاملات امضایی

این دسته از معاملات پیش از اسلام در بین اعراب و سایر اقوام رواج داشت و اسلام نیز آن‌ها را امضاء نمود و در بعضی از موارد آن‌ها را مورد اصلاح قرار داد. از جمله این قراردادهای (عقود) «مضاربه» است. در حجاز از اصطلاح «قراض» نیز برای این نوع عقد استفاده می‌شده است و بین تجار مکه رایج بوده است، چنان که در تاریخ مشهور است حضرت خدیجه (ع.ا.س) پیش از اسلام مردانی را استخدام می‌کرد و با در اختیار قرار دادن سرمایه‌اش، آن‌ها برای وی تجارت می‌کردند. از جمله این افراد حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود که به دلیل شهرت به امانت‌داری، خدیجه از ایشان درخواست همکاری کرد (واقدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۵۱۶). از دیگر انواع این نوع می‌توان به «مزارعه»، «مساقات»، «اجاره» و... اشاره کرد.

۲-۱. قراردادهای مردود

غالب این معاملات مبتنی بر فریب و تعرض به حقوق اقتصادی سایرین بود و بیشتر از آن‌که شبیه به فعالیت اقتصادی باشند، شبیه به قمار و فال بودند. از جمله این مبادلات «الرمی بالحصاة» یا افکندن سنگ بود. این شیوه غالباً در بازار «دومه الجندل» رواج داشته و خود دارای شیوه‌های مختلفی می‌شده است. گاه مشتری سنگی به سوی کالاهای فروشنده پرتاب می‌کرد تا مبیع تعیین شود یا مشتری مشت‌ریگ بر می‌داشت تا در برابر هر عدد یک درهم از خریدار بگیرد و قیمت

معامله تعیین شود. این نوع از بیع بعد از اسلام باطل اعلام شد (افغانی، ۱۹۷۴، ص ۴۶). از دیگر این موارد می‌توان به «منابذه» (پرت کردن کالا)، «ملاسه» (لمس کالا به جای رؤیت)، «مزابنه» (فروش خرما بر سر درخت) و... اشاره کرد (علی، ۱۴۲۲، ج ۱۴، ص ۷۹).

۲. بررسی تنزیلی نظام حقوق اقتصادی قرآن

با توجه به آنچه در رابطه با وضعیت حقوق قراردادهای مالی در دوران جاهلیت گفته شد، تأسیس یک نظام حقوقی اقتصادی جدید مستلزم یک برنامه پیگیر و مستمر بود که در سالیان نزول مطابق با شرایط مختلف انجام شد. چرا که راهبردها نمی‌تواند شتاب زده باشد بلکه باید به تناسب بحران‌هایی که در طول زمان شکل گرفته به گونه‌ای منطقی و حساب شده و به تدریج پیاده شوند (دیاری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸). در ادامه مهمترین مراحل شکل‌گیری آن به ترتیب نزول بررسی می‌شود:

۱-۲. مرحله اول؛ فرهنگ سازی و تغییر بینش

این مرحله شامل آیات مکی و خصوصاً آیات نازل شده بعد از سوره «حجر» می‌شود. یعنی زمانی که دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آشکار شده است و جامعه کوچک مسلمانان در برابر اکثریت مشرکان قرار گرفته‌اند. در ادامه برخی از مهم‌ترین نکات بیان شده در این دوره بررسی می‌شود:

۱-۱-۲. صدور جواز مضاربه

در جاهلیت نوعی از معاملات مالی به نام «مضاربه» یا «قراض» رایج بود. به عنوان نمونه شخصی به نام «حجاج بن علاط» اموال سرمایه‌داران مکه را می‌گرفت و با آن به تجارت می‌پرداخت (علی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۲۰۷). این نوع از معامله در دوران اسلامی هم رواج داشت. بسیاری آیه سه سوره «مزل» را دلیل بر جواز این نوع از قرارداد می‌دانند: «فَأَقْرَهُوْا مَا تَيْسَّرُ مِنَ الْقَرْضَانِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُوْنُ مِنْكُمْ مَّرْضِيٌّ وَءَاخِرُوْنَ يَضْرِبُوْنَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُوْنَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُوْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مزل: ۲۰)؛ [اینک] هرچه از قرآن میسر می‌شود بخوانید. [خدا] می‌داند که به زودی در میانتان بیمارانی خواهند بود، و [عده‌ای] دیگر مسافرت می‌کنند [و] به دنبال کسب فضل خدا هستند، و (گروهی) دیگر در راه خدا جنگ می‌نمایند.

لازم به ذکر است که سوره «مزل» سومین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است و خداوند برخی از مهم‌ترین احکام اسلام را در همین گام‌های اول بیان کرده است (بهجت‌پور،

۱۳۹۲، ص ۳۴۵). چنان‌که در سابق بیان شد با توجه به عبارت «وَءَاخِرُونَ يَصْرُبُونَ فِي الْأَرْضِ» جواز «مضاربه» در اسلام را برداشت کرده‌اند. نویسنده «کنزالعرفان» می‌نویسد:

«معاصران از این آیه بر جواز مضاربه استدلال کرده‌اند؛ با این بیان که بر رجحان اکتساب روزی دلالت دارد و فرقی نگذاشتند بین این‌که تکسب به مال خود یا مال دیگری باشد» (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۱).

چارچوب مضاربه در اسلام همان است که در پیش از اسلام وجود داشته، چراکه یک معامله عقلانی است، ولی شرایطی برای آن وضع شده تا از انحراف آن جلوگیری شود. مانند آن‌که سرمایه مورد مضاربه مقدارش مشخص باشد، در راه مشروع به کار رود، عامل با عین مال و نقد خریداری کند (نجفی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۳۶۷-۳۶۹). گفتنی است از دیگر آیاتی که دلالت بر جواز مضاربه می‌کند آیه ۱۰ سوره مبارکه جمعه است: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه: ۱۰)؛ پس هنگامی که نماز پایان گرفت شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید.

۲-۱-۲. پرهیز از کم‌فروشی

مراعات دقیق ارزش کالاها و عوامل تولید از جمله ضرورت‌های عدالت اقتصادی است لذا از جمله مفاهیمی که در اولین سوره‌های مکی بر آن تأکید شده، پرهیز از کم‌فروشی است. در سوره «اعراف» بیان شده: «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵)؛ حق پیمانانه را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید و در زمین بعد اصلاحش فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.

سوره اعراف، سی و نهمین سوره است که بعد از سوره «ص» در مکه نازل گردیده (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸؛ سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۴۰) و در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره هفتم است. البته درست معلوم نیست در چه سالی از بعثت نازل گشته، ولی یقیناً تاریخ نزول آن بعد از سال سوم بعثت و بعد از نزول آیه «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴) بوده است که در آن موقع، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) دعوت خویش را آشکار کرده بود (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۵۷).

یکی از شیوه‌های تشریح احکام و معارف قرآن اشاره به سابقه آن در میان سایر ادیان و انبیای پیشین است. این مورد در رابطه با تحوّل و تغییر معاملات مالی نیز دیده می‌شود که در این آیه به سابقه آن در میان قوم شعب (عبداللّه) اشاره شده است. این پیامبر الهی بعد از دعوت کلی

خود به تقوی و اطاعت فرمان خدا، در بخش دوم از تعلیماتش روی انحرافات اخلاقی و اجتماعی آن محیط انگشت گذارد و آن را به زیر نقد کشید، و از آنجا که مهمترین انحراف این قوم مرفه نابسامانی‌های اقتصادی، و ظلم فاحش و حق‌کشی و استثمار بود، بیش از همه روی این مسائل تکیه کرد. ایشان به سوی اهل «مدین» مبعوث گردید که منقول است اهالی آن از فرزندان «مدین بن ابراهیم» هستند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۱۶۶).

مؤلف تفسیر «المیزان» در مورد این آیه می‌نویسد:

«شعیب ^(ع‌السلام) قوم خود را پس از دعوت به توحید که اصل و پایه دین است به وفای به کیل و میزان و اجتناب از کم‌فروشی که در آن روز متداول بوده دعوت نموده است. اگر چه فساد در زمین به صورت مطلق شامل گناهان مربوط به حقوق الله نیز می‌شود، ولی از قبل و بعد جمله مورد بحث بر می‌آید که مقصود از فساد، آن گناهی است که باعث سلب امنیت در اموال و اعراض و نفوس اجتماع می‌شود، مانند راهزنی، غارت، تجاوزهای ناموسی و قتل و امثال آن» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۸۶).

در سایر سوره‌های مکی نیز (مانند شعراء: ۱۸۱ و هود: ۸۴) به این داستان اشاره شده است.

همچنین در سوره «مطففین» نیز مخاطبان از «کم‌فروشی» پرهیز داده شده‌اند.

۲-۱-۳. بیان شرایط کارگزار

از مهم‌ترین ارکان هر نظام اقتصادی بهره‌وری حداکثری مستخدمین و مدیران است. در قرآن نیز در سوره «قصص» برای این گروه شرایطی ذکر شده است: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ یکی از آن دو گفت: «ای پدر، او را استخدام نما، چرا که برترین کسی است که استخدام می‌کنی: هم نیرومند [و هم] شایسته اعتماد است.

سوره «قصص» به گفته «حسن» و «عکرمه» و «عطا» در مکه و بعد از سوره نمل نازل شده ولی «مقاتل» آیات ۵۲-۵۵ و «ابن عباس» آیه ۸۵ را مدنی می‌دانند (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۷۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۲۵۱). صاحب تفسیر «الحادیث» معتقد است همه سوره در مکه نازل شده است: «فصول السورة مترابطة بحيث يسوغ القول إنها نزلت متلاحقة حتى تمت» (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۰۸). به هر حال از مفهوم آیات برمی‌آید که در زمان نزول سوره، مشرکان بر مسلمانان سخت می‌گرفتند و مجادلات زیادی با آنها می‌کردند. این آیات شریفه که بخشی از داستان حضرت موسی ^(ع‌السلام) و دختران حضرت شعیب ^(ع‌السلام) را بیان می‌کنند در واقع بیانگر شرایط استخدام مدیران و کارگزاران است، چراکه «استیجار» بدون قید ذکر شده و از آن بدست می‌آید

که موسی ^(علیه السلام) قرار بوده در همه امور به کار گرفته شود و به نوعی قائم مقام شعیب ^(علیه السلام) باشد، هرچند که به اقتضای مقام تنها مساله چراندن گوسفندان به نظر بیاید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۶).

علاوه بر این دو صفت اصلی برای این مقام ذکر شده نخست قدرت اجرایی (قوی) و دیگری امانت‌دار بودن (امین) است. نگارنده «تفسیر نمونه» می‌نویسد بدیهی است منظور از قدرت تنها قدرت جسمانی نیست، بلکه مراد قدرت و قوت بر انجام صحیح مسئولیت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۶۶).

۲-۱-۴. رعایت حقوق ضعیفان در قراردادها

بر خلاف دوران جاهلیت که قدرتمندان امکان تعرض به اموال سایرین را داشتند اما قرآن کریم بر رعایت حقوق محرومان و ضعیفان تأکید فراوان نموده است. از جمله این طبقات یتیمان نابالغ هستند که اموال آن‌ها همواره می‌توانست مورد سوء استفاده سایرین قرار گیرد ولی بر حفظ اموال آن‌ها تأکید گردید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أُؤْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا * وَ أُؤْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زُنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء: ۳۴-۳۵)؛ و به مال یتیم - جز به بهترین وجه - نزدیک مشوید تا به رشد برسد، و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد. و چون پیمانه می‌کنید، پیمانه را تمام دهید، و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام‌تر است.

سوره «اسراء» پنجاهمین سوره است که در مکه بعد از سوره قصص نازل گردیده و در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره هفدهم است. آیات سوره مبارکه با سوره‌هایی که در اول بعثت نازل شده فرق دارد. به نظر می‌آید که این سوره در نزدیکی‌های هجرت نازل شده باشد، موید این سخن آن است که ماجرای اسراء و معراج یک سال قبل از هجرت بوده است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۴).

طبرسی در مورد تاریخ وقوع «اسراء» می‌نویسد: «إِنَّهُ كَانَ قَبْلَ الْمَهْجَرَةِ بَسَنَةَ» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۶). صاحب «معارج التفکر» در مورد حفظ اموال یتیمان در اسلام می‌نویسد: «در عصر جاهلی بر اموال یتیمان به شکل ظالمانه تعرض می‌کردند خواه آن‌ها برادران یا خواهرانشان یا فرزندان نزدیکان آن‌ها بودند. اما اسلام آن‌ها را از این کار برحذر داشت و بر رعایت حقوق یتیمان نابالغ تأکید کرد» (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۹، ص ۶۱۵).

نکنه جالب توجه این است که در این آیه نفرمود که «اموال یتیمان را مصرف نکنید»، بلکه فرمود: «به اموال یتیمان نزدیک نشوید» یعنی حریم کودکان بی سرپرست را کاملاً محترم بشمارید و حتی مقدمات استفاده‌ی نامشروع از آن را هم فراهم نسازید. ولی اگر تصرف در اموال یتیمان برای نگهداری و مدیریت اموال باشد، اشکالی ندارد و خدمت به ایتم است (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). آیه ۱۵۲ سوره مبارکه انعام نیز مفهومی شبیه به این آیه دارد.

۲-۱-۵. امضاء جعاله

در سوره «یوسف» بیان شده: «قَالُوا نَفَقْدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَ لِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ» (یوسف: ۷۲)؛ کارکنان شاه مصر گفتند پیمانانه ملک را نمی‌یابیم، هرکس آن را بیاورد یک بار شتر (غله) به او داده می‌شود و من ضامن این پاداش هستم.

سوره مبارکه یوسف، پنجاه و سومین سوره است که در مکه نازل شده است. این آیه بخشی از داستان حضرت یوسف (علیه السلام) است که مأموران عزیز مصر به دنبال یافتن پیمانانه گمشده او هستند. «صواع» ظرفی است که یک صاع طعام ظرفیت دارد (طیب، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۲۳۹). این آیه از جمله مستندات «جعاله» و «ضمان» در اسلام است و نشان می‌دهد این عقود در پیش از اسلام و در سایر اقوام نیز رواج داشته است. «جرجانی» می‌نویسد:

«این آیت دلالت می‌کند بر صحت دو عقد از توابع دین: (یکی) عقد جعاله و آن عقدیست که به منزله عقد اجاره لیکن اجر عمل اینجا که او را جعل خوانند جایز است که مجهول باشد چنانکه قول او «وَ لِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ» دالّ است بر آن، (دوم) عقد ضمان و آن عقدی است موضوع از برای متعهد شدن نفسی یا مالی زیرا که قول او «زَعِيمٌ» مشتق از زعامت و زعامت بمعنی ضمانت و بدین معنی است که زعیم در قول او «سَلُّهُمْ أَتُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ» که در سوره القلم واقع است. وجه دلالت آیت مذکوره بر عقدین مذکورین آن است که دلالت می‌کند بر مشروطیت این دو عقد در شرع یوسف (علیه السلام) و اصل آن است که منسوخ نشده باشد پس ثابت شود که در شرع ما نیز صحیح باشد» (جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۶۷).

۲-۱-۶. آغاز مبارزه با رباخواری

ربا در جاهلیت به صورت‌های مختلفی انجام می‌شد گاه به صورت طعام بود که یک صاع نان را قرض می‌کرد و باید بیشتر از آن را برمی‌گرداند. این نوع بیشتر در بین صحرائشینان رایج بود.



گاه مورد ربا دینار و درهم بود مثلاً یک دینار را به دو دینار می‌فروخت یا این‌که یک مثقال طلا و نقره داده می‌شد و دو مثقال پس گرفته می‌شد (علی، ۱۴۲۲، ج ۱۴، ص ۱۲۲). در پی اقبال به تجارت و اصالت ثروت در شبه جزیره، ربا به ابزاری برای رؤسای قبایل در مسیر حفظ تفوق اقتصادی بر مردم تبدیل شده بود و ضامن حفظ ریاست ظالمانه آن‌ها بود (پاکتچی، ۱۳۹۷، ص ۸۶).

ربا باعث تجمع ثروت بین عده‌ای خاص و فقیرتر شدن فقرا می‌شد و از سوی دیگر بین مردم جاهلی عادی شده بود لذا از بین بردن آن مستلزم برنامه‌ای تدریجی و پیگیر بود. پس اولین گام برای حرمت رباخواری در سوره روم برداشته شد و این پندار باطل در مورد ربا که موجب افزایش مال می‌شود، هدف گرفته شده: «وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوًا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوًا عِنْدَ اللّٰهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ» (روم: ۳۹)؛ و آنچه [به قصد] ربا می‌دهید تا در اموال مردم سود بردارد، نزد خدا زیاد نمی‌شود و [لی] آنچه را از زکات - در حالی که رضایت خدا را خواستارید - دادید، پس آنان همان فزونی‌یافتگانند [و مضاعف می‌شود].

سوره روم، هشتاد و چهارمین یا هشتاد و ششمین سوره است که بعد از سوره انشقاق در مکه نازل گردید (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸؛ سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۴۱) و احتمالاً باید در اواخر این دوره و در نزدیکی هجرت نازل شده باشد. در این آیه دو نمونه از انفاق‌ها که یکی برای خدا است، و دیگری به منظور رسیدن به مال دنیا است، با هم مقایسه می‌شود. مراد از «ربا» در این آیه بخشیدن چیزی به کسی بدون نیت قربت است، و منظور از «زکات» مالی است که برای رضایت خداوند ببخشی و در آیه بیان شده که عاملان به آن مال یا ثوابشان چند برابر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۸۵).

۲-۱-۷. جمع‌بندی مرحله اول

در این دوره قانون خاصی در زمینه قراردادهای مالی وضع نمی‌شود چرا که معاملات دوران جاهلی در بین مردم عادی و رایج بود و از بین بردن آن‌ها نیاز به یک برنامه پیگیر و مستمر داشت. از سوی دیگر حکومت اسلامی وجود نداشت تا قوانین ضمانت اجرایی پیدا کنند. لذا آگاهی دادن به مخاطبان و تغییر بینش آن‌ها هدف قرار می‌گیرد تا پندارهای باطل در مورد عادات و عقاید مالی عرب جاهلی در هم شکسته شود. یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم، این است که تأکید می‌شود حق قانون‌گذاری متعلق به خداوند است (ر.ک: قصص: ۷۰ و ۸۸، انعام: ۵۷).

همچنین در این دوره مبارزه با انحرافات مالی شروع می‌شود. به عنوان نمونه در سوره روم آیه ۳۴ بیان می‌گردد که رباخواری موجب افزایش مال نمی‌شود و نزد خدا بی‌ارزش است. در

آیات دیگری بر وفای به عهد تأکید می‌گردد و از کم‌فروشی، تعرض به اموال یتیمان، تقلب در معامله و... نهی می‌شود. در آیات مکی از تقابل حضرت شعیب (علیه السلام) با انحرافات مالی قوم «مدین» سخن به میان می‌آید تا پیش زمینه تشریح احکام قراردادهای مالی در دوره مدنی فراهم شود. البته واکنش قرآن نسبت به برخی از قراردادها مانند؛ شرکت (ص: ۲۴)، اجاره (قصص: ۲۷)، مضاربه (مزمّل: ۲۰) و جعاله (یوسف: ۷۲) ایجابی بوده و از آن‌ها یاد شده است. آیات این مرحله در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱: آیات مرحله اول

آیه	پیام آیه	سال نزول
مزمّل: ۲۰	جواز مضاربه	حدود سال سوم
اعراف: ۸۵	تأکید بر ادای کامل پیمان	چهارم مکی
قصص: ۲۶	کارگزار باید دارای قدرت اجرایی و امانت‌دار باشد	مکی
اسراء: ۳۴ و ۳۵	رعایت حقوق اموال یتیمان نابالغ	۱۲ مکی
روم: ۳۹	اعطای اموال به دیگران باید به قصد قربت الهی صورت گیرد.	۱۳ مکی
مطففین: ۱-۳	پرهیز از کم‌فروشی	۱۳ مکی

۲-۲. مرحله دوم؛ بیان احکام قراردادها در قالب فقهی - حقوقی

مرحله دوم ارائه نظام حقوق اقتصادی قرآن، با هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه همراه می‌شود. در این دوره با فراهم شدن شرایط خطوط اصلی اقتصاد اسلامی ترسیم می‌گردد و نظام حقوقی اسلام در زمینه مبادلات مالی تبیین می‌گردد. در ادامه مهم‌ترین نکات این دوره بررسی می‌شود:

۲-۲-۱. نهی از انجام معاملات بدون ارزش

سوره بقره، اولین سوره است که در مدینه بعد از هجرت نازل شده است. ابن عباس می‌گوید: «هی اول ما نزل بالمدینه، و هذا قول الحسن، و مجاهد، و عكرمة، و جابر بن زيد، و قتادة» (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۴). آیاتی از سوره بقره پیرامون معاملات اقتصادی است مانند: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

(بقره: ۱۸۸)؛ و اموالتان را بین خودتان به باطل نخورید، و [برای رشوه بخشی از] آن را به داوران مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید. این آیه یکی از کلیدی‌ترین اصول اقتصاد اسلامی یعنی شیوه صحیح مالکیت اموال توسط بخش خصوصی را مطرح می‌کند و از سوی دیگر هرگونه تصرف در اموال دیگران از طریق راه غلط و رشوه را ممنوع می‌شمارد. تجاوز، تقلب، معاملات ربوی، معاملاتی که حد آن نامشخص باشد، شامل این قانون می‌شوند. در سبب نزول آیه بیان شده «امرؤ القیس بن عابس الکندی» و «عبدان بن الاشوع» در مورد زمینی درگیر شدند و سوگند دروغ یاد کردند پس به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شکایت کردند و آیه نازل شد (واحدی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۵۹). همچنین در روایات بیان شده «قریش» در اموال و خانواده قمار می‌کردند و این آیه آن‌ها را نهی کرد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۴).

برای این آیه دو معنای کلی بیان شده است: نخست اموال یکدیگر را به صورت دزدی، غصب، سوگند دروغ و خیانت استفاده نکنید، و دیگری اموال خود را به صورت اسراف و باطل هزینه نکنید (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۱۳). در تفسیر جمله دوم «و تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْتُواكُمْ بِقَضَايَا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ» نیز دو احتمال می‌رود: نخست آنکه اموالی برای تطمیع قضات پرداخت کنند که اموال دیگران را به دست آورند. معنای دیگر این که مسائل اقتصادی را مغرضانه نزد قانون نبرید و از اعتماد دیگران سوء استفاده نکنید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲). البته می‌تواند آیه معنای عامی داشته باشد و هر دو معنا را دربر گیرد چراکه با توجه به تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و ایجاد دستگاه قضاوت توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیاز بود خطوط اصلی در قراردادها و معاملات مالی روشن شود.

۲-۲-۲. ارائه شیوه تنظیم قراردادها

آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره، طولانی‌ترین آیه قرآن است و در آن احکام و مقررات دقیقی برای امور تجاری و اقتصادی بیان شده تا سرمایه‌ها هرچه بیشتر، رشد طبیعی خود را پیدا کنند و بن‌بست و اختلاف در میان مردم رخ ندهد. در این آیه، ۱۹ دستور مهم در مورد داد و ستد مالی ذکر شده است که عبارتند از:

۱- نگارش قرض. البته در آیه مذکور عبارت «دین» به کار برده شده است نه قرض، زیرا قرض تنها در مبادله دو چیز مثل هم به کار می‌رود، ولی «دین» هرگونه بدهکاری را شامل می‌شود، خواه از طریق قرض گرفتن باشد یا معاملات دیگر مانند اجاره و صلح و خرید و

فروش، که یکی از طرفین چیزی را به ذمه بگیرد. بنابراین آیه مورد بحث شامل عموم بدهی‌هایی است که در معاملات وجود دارد، مانند سلف و نسیه، هرچند قرض را هم شامل می‌شود، و این که بعضی آن را مخصوص بیع سلف دانسته‌اند، کاملاً بی دلیل است هرچند ممکن است شأن نزول آن بیع سلف باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸۳).

۲ و ۳- تنظیم قرارداد توسط نویسنده عادل.

۴- خودداری نکردن نویسنده از نگارش.

۵- املاء قرارداد توسط شخص بدهکار.

۶- بدهکار نباید چیزی را فروگذارد.

۷- اگر بدهکار توانایی املاء ندارد، باید ولی او این کار را انجام دهد.

۸- رعایت عدالت توسط ولی.

۹- شهادت دو شاهد.

۱۰ و ۱۱- شهود باید مرد و مسلمان باشند.

۱۲- اگر دو مرد وجود نداشت، شهادت یک مرد و دو زن.

۱۳- شاهدان باید مورد رضایت و اطمینان باشند.

۱۴- شاهدان مرد هر یک می‌توانند به صورت مستقل شهادت دهند اما شاهدان زن باید

همراه هم شهادت دهند.

۱۵- شهود از شهادت دادن خودداری نکنند.

۱۶- بدهی چه کم یا زیاد باشد آن را بنویسید.

۱۷- اگر معامله نقدی باشد نیاز به نگارش نیست.

۱۸- شاهد گرفتن برای معاملات نقدی بهتر است.

۱۹- نویسنده و شاهد نباید مورد ضرر قرار گیرند.

در آیه ۲۸۳ نیز بیان می‌شود که اگر در سفر بودید و امکان تنظیم سند به صورت کتبی وجود نداشت، چیزی را به عنوان رهن و وثیقه قرار دهید. برخی مفسران بیان کرده‌اند که شروط آیه زمان‌دار است یعنی اگر جانشینی بهتر و قوی‌تر برای حفظ مال وجود داشت دیگر نیازی به این‌ها نیست. مثلاً امروز که سندهای قطعی و محکم‌تری مانند چک، سفته و... وجود دارد باید از این‌ها استفاده کرد. در هر صورت اصل اعتماد به پرداخت وام است که در هر زمان با شرایط خاص خودش باید مطمئن‌ترین راه را مورد استفاده قرار داد (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۱۰).

۲-۳-۲. احکام انفال

در آیه اول سوره انفال آمده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ» (انفال: ۱)؛ از تو درباره انفال [غنائم و هرگونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند بگو انفال مخصوص خدا و پیامبر است. انفال هشتاد و هشتمین سوره است که بعد از سوره بقره در مدینه نازل گردید (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵). اصل معنای «انفال» به معنای زیادت است و در این آیه به معنای غنیمت است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۷۵).

در سبب نزول آن بیان شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در جنگ بدر فرمود هر کس دشمن را بکشد، آنچه متعلق به دشمن باشد متعلق به او خواهد بود و هر کس دشمنی را اسیر نماید، برای او خواهد بود. پیرمردان زیر پرچم‌ها استوار می‌بودند و جوانان به جنگ و کشتار و برداشت غنائم می‌پرداختند لذا پیرمردها به جوانان می‌گفتند ما را در غنائم خود شریک کنید زیرا با شما در جنگ شرکت داشته‌ایم با این گفتار نزدیک بود کار به نزاع منجر شود، سپس این آیه نازل گردید و اختیار تقسیم غنائم به پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اگذار گردید (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۷۸؛ واحدی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۳۵). از این روایت به دست می‌آید در جنگ‌های صدر اسلام برخی به شیوه جاهلی قصد داشتند غنائم جنگی را مال خود کنند لذا خداوند با این شیوه مخالفت می‌نماید و اختیار آن را به خداوند و رسولش وامی‌گذارد. به عقیده فقها انفال مفهوم وسیعی دارد و شامل هر نوع درآمدی می‌شود مانند: اموالی که از دار الحرب بدون جنگ گرفته می‌شود و سرزمینی که اهلش آن را ترک کرده و از آن هجرت می‌کنند - و آن «فیء» نامیده می‌شود - و میراث کسی که وارثی نداشته باشد، و سرزمین و اموالی که پادشاهان به این و آن می‌بخشیدند - در صورتی که صاحب آن شناخته نشود - و بیشه‌زارها و جنگل‌ها و دره‌ها و سرزمین‌های موات که همه این‌ها از آن خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله) و بعد از او برای کسی است که قائم مقام او است، و او آن را در هر راه که مصلحت خویش و مصلحت مردمی که تحت تکفل او هستند ببیند، مصرف خواهد کرد (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۵۳).

مؤلف کتاب «اقتصادنا» نیز در این باره می‌نویسد:

«به استناد همین آیه مالکیت دولت نسبت به انفال تأیید و در نتیجه تقسیم خصوصی آن ممنوع گردید. تصدی انفال از طرف پیامبر (صلی الله علیه وآله) همان تملک دولت است در رژیم اسلامی که حائز منصب الهی می‌باشد. از این رو پس از حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مادامی که امامت ادامه دارد، مالکیت دولت نسبت به انفال نیز استمرار دارد» (صدر، ۱۳۵۷، ص ۸۷).

در ادامه سوره نیز به شیوه تقسیم غنائم اشاره شده: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْأَيْتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجُمُعَانَ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال: ۴۱)؛ مؤمنان، همان کسانی اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. گفتنی است میان آیه انفال و این آیه تضادی وجود ندارد و لزومی ندارد که یکی را ناسخ دیگری بدانیم، زیرا به مقتضای آیه انفال، غنائم جنگی نیز متعلق به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، ولی ایشان چهار پنجم آن را به جنگجویان می‌بخشد و یک پنجم آن را برای مصارفی که در آیه تعیین شده نگاه می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۷۳).

۲-۲-۴. رضایت طرفین معامله؛ شرط صحت معامله

در سوره نساء که ششمین سوره نازل شده در مدینه است، مفاهیمی شبیه به آیه ۱۸۸ بقره با تفصیل بیشتر ذکر شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید - مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد.

واژه «تجارة» به معنای تصرف در سرمایه به منظور تحصیل سود است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۴). آیه مورد بحث پاسخ به یک سؤال و ابهام در تقدیر است زیرا بعد از آن که از خوردن مال به باطل نهی شد (بقره: ۱۸۸) و معاملاتی که در جامعه فاسد جریان داشت باطل شد، این توهم پیش می‌آمد که به صورت عام معاملات، باعث انهدام ارکان جامعه می‌شود. لذا پاسخ داده شد که همه معاملات این‌گونه نیستند، بلکه نوعی معامله امکان آن را دارد که جامعه را از نظر مسائل اقتصادی استوار سازد، و آن تجارتي است که ناشی از رضایت طرفین باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۱۶).

۲-۲-۵. بیان ویژگی‌های داور در اختلافات

بی‌شک یکی از مهم‌ترین ارکان هر نظام حقوقی، مقام حل اختلافات است. از این رو در آیه ۶۰ سوره نساء از مراجعه به نااهلان برای داوری پرهیز داده شده است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ» (نساء: ۶۰)؛ آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده‌اند، می‌خواهند «طاغوت» را داور خود کنند. در سبب نزول آیه بیان شده که میان مردی یهودی و مردی منافق، اختلافی بود. یهودی گفت باید به محمد (صلی الله علیه و آله) رجوع کنیم زیرا

می‌دانست که اهل رشوه نیست و ستم نمی‌کند. منافق گفت: باید به کعب بن اشرف رجوع کنیم چه می‌دانست که او رشوه می‌گیرد و به نفع او حکم می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۰۲). مشخص است که حکم آیه عمومی و شامل هر نوع اختلافی اعم از مادی و معنوی است.

۲-۲-۶. ادامه مبارزه با رباخواری

دومین گام مبارزه با رباخواری در مدینه برداشته شد و یهود به سبب رباخواری مورد سرزنش قرار گرفتند: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَصَدَّوهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا * وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ هُمُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء: ۱۶۰-۱۶۱)؛ پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم و [به سبب] ربا گرفتنشان - با آنکه از آن نهی شده بودند - و به ناروا مال مردم خوردنشان، و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

سوره نساء ششمین سوره است که بعد از سوره ممتحنه در مدینه نازل گردیده، و در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره چهارم است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲). یکی از شیوه‌های قرآن برای تشریح احکام اشاره به سابقه آن حکم در سایر شریعت‌ها است. در مبارزه با رباخواری نیز با توجه به حضور یهود در مدینه به سابقه حرمت ربا در بین آن‌ها اشاره می‌شود. در تورات سفر تثئیه، فصل ۲۳، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰ به حرمت ربا اشاره شده است.

۲-۲-۷. نهی صریح از رباخواری

اگرچه به صورت غیر صریح در مکه از رباخواری نهی شده، ولی در سوره آل عمران به صورت صریح مسلمانان از ربا نهی می‌شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۳۰)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سود] چندین برابر نخورید، و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.

از اقوال مفسران بر می‌آید که این آیه در سال سوم هجری و بعد از جنگ احد نازل شده است (واحدی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۲۴)، و اگر این صحیح باشد نزول این آیه باید بعد از سوره نساء باشد. علامه طباطبایی اما معتقد است سوره به یک‌باره نازل شده است:

«این احتمال خیلی به ذهن نزدیک می‌رسد که سوره آل عمران یکباره نازل

شده باشد، برای این که آیاتش که دوایست آیه است ظهوری روشن در بهم

پیوستگی و انسجام دارد، و از اول تا به آخر متناسب با هم است، و پیدا است که همه اغراض آن‌ها بهم مربوط است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷).

در این بخش از سوره که درباره جنگ احد است تعدادی احکام تربیتی نیز بیان می‌شود. برخی از طوایف در جاهلیت تا مدت معینی به یکدیگر قرض می‌دادند، سپس وقتی که مدت به پایان می‌رسید و مدیون نمی‌توانست قرض خویش را بپردازد هم مقدار پرداخت قرض را زیاد می‌کردند و هم مدت اجل دین را بیشتر می‌نمودند، و این ربای «أضعافا مضاعفة» است که از آن نهی شده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۵۸).

۲-۲-۸. احکام مالکیت اموال عمومی

در سوره حشر آمده است: «ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فلله و للرسول و لذی القربى و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کئی لا یكون دولة بین الأعیاء منکم» (حشر: ۷)؛ آنچه خدا از [دارایی] اهل آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما در گردش نباشد.

سوره «حشر» به عنوان دوازدهمین سوره پس از سوره «بینه» در مدینه نازل شده است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۴؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸). این سوره به داستان یهودیان «بنی نضیر» اشاره دارد که به خاطر نقض پیمانی که با مسلمین بسته بودند محکوم به جلای وطن شدند. طبرسی از ابن اسحاق نقل کرده که خروج «بنی نضیر» بعد از آن بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جنگ «احد» برگشت و همچنین از زهری نقل می‌کند جلای آن‌ها پیش از جنگ «احد» و شش ماه بعد از جنگ «بدر» اتفاق افتاد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۸۹). در این آیه شریفه بخشی از غنائم جنگی برای نیازمندان در نظر گرفته می‌شود و علت این امر را انحصار نداشتن ثروت در بین ثروتمندان جامعه ذکر می‌شود: «کئی لا یكون دولة بین الأعیاء منکم» (حشر: ۷).

محمد باقر صدر در این باره می‌نویسد:

«راضی دیگری هم که سکنه‌اش آن را بدون جنگ و جدال در اختیار دولت اسلامی قرار داده‌اند در مالکیت دولت شناخته می‌شوند. چرا که این زمین‌ها آنچنانکه که قرآن مقرر نموده جزء انفال هستند و به پیامبر و امام یا به تعبیر دیگر به دولت اختصاص دارد» (صدر، ۱۳۵۷، ص ۱۰۰).

گفتنی است می‌توان «دولة» را مرفوع خواند بنا بر این که «کان» تامه باشد، یعنی تا مانند دوره جاهلیت دست به دست نگردد یا چیزی نباشد که ثروتمندان در میان خود دست به دست بگردانند. چرا که در دوره جاهلیت رسم بر این بود که یک چهارم غنایم به رؤسا و بزرگان برسد

و به آن‌ها اختیار داده می‌شد هر طور بخواهند در آن عمل کنند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۷۹). علاوه بر این، با برخی از عادات پیش از اسلام در زمینه حقوق مالکیت ثروت‌های عمومی نیز مقابله می‌شود. که در جاهلیت رواج داشت نیز مخالفت می‌شود. مانند آن‌که در جامعه عرب جاهلی اصطلاحی به نام «حمی» وجود داشت و به قسمت‌های وسیعی از زمین‌های موات اطلاق می‌شد که قدرتمندان آن را به نفع خود احتکار نموده و دیگران را از استفاده باز می‌داشتند. ولی اسلام این موضوع را به رسمیت نشناخت و در روایات بیان شده فرد تنها از طریق کار و فعالیت در ثروت‌های طبیعی می‌تواند صاحب حق باشد (صدر، ۱۳۵۷، ص ۱۴۷). بدین ترتیب علاوه بر از بین بردن اعتقادات جاهلی یک قاعده نیز پی‌ریزی می‌شود تا درآمدهای جامعه اسلامی تنظیم گردد.

۲-۲-۹. تأکید دوباره بر حرمت ربا

در سوره بقره آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تَبُنُّوا فَلَکُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۵-۲۷۹)؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پادشاه آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است رها کنید. و اگر [چنین] نکرديد، بدانيد به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ظلم می‌کنید و نه ظلم می‌بینید.

بسیاری از مفسران اعتقاد دارند آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره مبارکه بقره از آخرین دستورات شرعی (آیات الاحکام) است که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده است. نگارنده تفسیر «الجامع لاحکام القرآن» آیات ربا تا آیه «وَ اتَّقُوا یَوْمًا تُرْجَعُونَ فِیهِ إِلَى اللَّهِ» (بقره: ۲۸۱) را جزء آخرین آیات نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذکر نموده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۷۷، طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۷۶). سیوطی نیز در نوع «معرفه آخر ما نزل» در کتاب «الاتقان خود اقوال بسیاری از دانشمندان مبنی بر این‌که این آیات آخرین آیه نازل شده است نقل کرده است (سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۱۰۱).

در این آیات رباخواران مورد سرزنش قرار می‌گیرند و تأکیدی است بر حرمت رباخواری که در سوره نساء و آل عمران نازل شده بود. در سبب نزول این آیات بیان شده پس از نزول آیات ربا شخصی به نام «خالد بن ولید» خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حاضر شده و عرضه داشت؛

پدرم چون با طائفه ثقیف معاملات ربوی داشت و مطالباتش را وصول نکرده بود وصیت کرده است مبلغی از سودهای اموال او که هنوز پرداخت نشده است، تحویل بگیرم. آیا این عمل برای من جایز است؟ که آیات فوق نازل شد و مردم را به شدت از این کار نهی کرد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۴). در این آیات به توجیه برخی از رباخواران نیز اشاره شده است که عمل خود را مانند خرید و فروش (بیع) مباح می‌دانستند حال آن‌که بین آن دو تفاوت فراوان است. مؤلف تفسیر «احسن الحدیث» در تفاوت «بیع» و «ربا» می‌نویسد:

«خرید و فروش، کارگشایی و حل مشکل جامعه است اما ربا مکیدن خون ضعیف و ایجاد مشکل در کار جامعه می‌باشد، در خرید و فروش هر دو طرف، مورد سود و زیان تولید و مصرف و در تلاش هستند ولی در ربا تلاش و تحمیل و زیان همه بر ربا دهنده است رباخوار مفتخور واقعی و همه سود در طرف او است ربا سبب ایجاد طبقات و عمیق شدن شکاف و فاصله‌های زندگی و چرخیدن اجتماع بنفع اقلیت محدودی است بر خلاف خرید و فروش که ثروت ملی را همچون خون در رگ‌های جامعه به حرکت در می‌آورد» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۲۳).

۲-۱۰-۲. تعدیل قراردادها

در سوره بقره آمده است: «وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۸۰)؛ و اگر [بدهکاران] تنگدست باشند، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید]؛ و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد]، بخشیدن آن برای شما بهتر است - اگر بدانید. این آیه شریفه اشاره به دادن مهلت به بدهکاران و سخت نگرفتن بر آن‌ها دارد و به نوعی در تقابل با سخت‌گیری رباخواران در عهد جاهلیت است. اگرچه این آیه در ادامه آیات ربا آمده اما اختصاص به آن ندارد و شامل هر نوع قرضی می‌شود. لذا فقها از این آیه اطلاق را برداشت کرده‌اند (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۶). در آیات پیشین نیز بیان شد که اصل مهم تجارت در قرآن «تراضی» یعنی رضایت دو طرف است. مُعَسِّر یا تنگدست، در شریعت اسلام کسی است که جز خانه مسکونی و ضروریات زندگی نظیر لباس، کتاب، وسایل ضروری منزل و ابزار کاری که از طریق آن امرار معاش می‌کند، و خرج یک روز خود و عیالش چیز دیگری نداشته باشد. فروختن این لوازم زندگی برای پرداخت قرض، واجب نیست (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۳۸). گفتنی است در حقوق نیز بحث «تعدیل قراردادها» مطرح می‌شود یعنی شرایط رفتار با طرف قرارداد که در سختی افتاده است.

۲-۱۱. جمع‌بندی مرحله سوم

چنانکه در سابق بیان شد؛ آیات در سور مکی غالباً جنبه ارشادی و تنذیری داشتند؛ ولی در این دوره، عوامل نهادی اقتصاد اسلامی در قالب احکام و به صورت عملی به اجرا در می‌آیند. قرآن کریم با معتبر شمردن لوازم مالکیت شخصی این نوع مالکیت را امضا می‌کند، مثلاً یکی از لوازم مالکیت صحت خرید و فروش است، و خداوند می‌فرماید: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره: ۲۷۵). همچنین برای معاملات شرایطی مانند تراضی هر دو طرف معامله (نساء: ۲۸)، عدم ظلم دو طرف معامله به یکدیگر (بقره: ۲۷۹) و حتی رعایت شرایط ظاهری نوشتن قرارداد (بقره: ۲۸۲) و... وضع می‌گردد. با توجه به شرایط گفته شده ربا حرام اعلام می‌شود و بسیاری از معاملات جاهلی بدون ارزش اقتصادی و شامل «اکل باطل» (بقره: ۱۸۸) قلمداد می‌شود.

در این دوره برای اولین بار از مالکیت حکومت اسلامی بر بخشی از اموال مانند (فیء) و (انفال) سخن به میان می‌آید که در میان اعراب حجاز امری بی سابقه بود چرا که زندگی آنها غالباً به صورت قبایلی و بدون حکومت مرکزی بود و عنصر اصلی در تقسیم منابع طبیعی و غنائم قدرت افراد بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز در مدینه در جهت تبیین آیات قرآن و اجرای نظام‌نامه حقوق قراردادها کوشش فراوانی می‌کردند.

در منابع تفسیری بیان شده که ایشان به مردم مدینه فرمودند: پنج بلا در برابر پنج گناه است: ۱- هیچ گروهی پیمان شکنی نکردند جز اینکه خدا دشمنانشان را بر آنها مسلط ساخت. ۲- هیچ گروهی حکم نکردند به آنچه خداوند نازل نفرمود مگر اینکه فقر در میانشان شایع شد. ۳- در میان هیچ قومی گناه آشکار نشد جز اینکه مرگ در میان آنها شایع گشت. ۴- هیچ قومی از پیمانانه نکاستند جز اینکه گیاه در زمین‌هایشان نروید و دچار قحطی شدند. ۵- هیچ گروهی از پرداخت زکات سر باز نزدند مگر اینکه از باران منع شدند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۵۸).

با سامان یافتن این نظام حقوقی جدید بخش زیادی از درگیری‌ها و معاملات بدون ارزش اقتصادی از بین رفت. این اتفاق پیامدهایی همچون کمتر شدن فاصله طبقاتی جامعه صدر اسلام و سوق دادن مردم به سوی فعالیت اقتصادی مولد، در پی داشت. در جدول زیر آیات این مرحله دیده می‌شود:

جدول ۲: بیان فقهی حقوقی قراردادها در قرآن

سال نزول	پیام آیه	آیه
سال اول مدنی	باطل بودن معاملاتی که در آن فایده اقتصادی و عقلایی نباشد.	بقره: ۱۸۸
سال اول مدنی	دادن مهلت به بدهکار (تعدیل قرارداد)	بقره: ۲۸۰

	قراردادهای مالی باید مکتوب باشد.	بقره: ۲۸۲
	نویسنده قرارداد باید عادل و ضابط باشد	
	لزوم وجود شاهد در تنظیم قراردادها	
سال دوم مدنی	مالکیت هر نوع غنائم جنگی و مال بدون مالک بر عهده دولت اسلامی است.	انفال: ۴۱
سال دوم مدنی	شرط صحت معامله تراضی طرفین است.	نساء: ۲۹
	در اختلافات از مراجعه به ناهلان پرهیز نمایید.	نساء: ۶۰
	ربا خواری برای سایر ادیان و از جمله یهود نیز مذموم است	نساء: ۱۶۰
سال سوم مدنی	نهی صریح مسلمانان از ربا خواری	آل عمران: ۱۳۰
اواخر سال سوم مدنی	مالکیت ثروت‌های عمومی در اختیار دولت اسلامی است.	حشر: ۷

۲-۳. مرحله سوم؛ تکمیل و تثبیت حقوق قراردادها

این مرحله شامل آیات سوره «توبه» و «مائده» است که هم‌زمان با سال‌های پایانی نزول قرآن است. در ادامه تفسیر این آیات بیان می‌شود:

۲-۳-۱. بیان قاعده اصالة اللزوم فی العقود

سوره مائده بعد از سوره «فتح» و صلح حدیبیه در مدینه نازل شده و صد و بیست آیه است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۴۷). صاحب تفسیر «المیزان» می‌نویسد:

«اهل حدیث و تاریخ اتفاق دارند بر اینکه سوره مائده آخرین سوره از سوره‌های مفصل قرآن است، که در اواخر ایام حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بر آن جناب نازل شده، در روایات شیعه و سنی هم آمده که در مائده ناسخ هست ولی منسوخ نیست، چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند، و مناسب با این وضع همین بود که در این سوره به حفظ پیمان‌هایی که خدای تعالی از بندگانش گرفته، و خویشتن داری در حفظ آن‌ها سفارش کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۵۶).

در آیه ۱ این سوره بیان شده است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أُوفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای [ی خود] وفا کنید. در معنای «عقود» اقوال بسیاری همچون پیمان خداوند با مردم، پیمان‌های مردم با یکدیگر، قراردادهای دوران جاهلی و عهد اهل کتاب و... نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۳۳). هر چند با توجه به اطلاق آیه می‌تواند همه این معانی را در برگیرد و شامل همه جوانب زندگی شود. این آیه از جمله آیاتی است که در مباحث حقوق اسلامی در سرتاسر فقه در معاملات دو سویه به آن استدلال می‌کنند، و یک قاعده مهم فقهی که اصالة اللزوم فی العقود است از آن استفاده می‌گردد، یعنی هرگونه پیمان و معاهده‌ای درباره اشیاء و یا کارها میان دو نفر منعقد گردد، لازم الاجراء می‌باشد. همانطور که جمعی از محققان نیز عقیده دارند انواع معاملات و شرکت‌ها و قراردادهای که در عصر ما وجود دارد و در سابق وجود نداشته، و یا این‌که بعداً در میان عقلا به وجود می‌آید، و بر موازین صحیحی قرار دارد، شامل می‌شود، و این آیه پای همه آن‌ها صحنه می‌گذارد البته با در نظر گرفتن ضوابط کلی که اسلام برای قراردادهای قائل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۴۵).

۲-۳-۲. بیان شرایط همکاری مسلمانان

در سوره مائده آمده است: «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)؛ در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید. غالب منابع تفسیری سال نزول این آیه را دهم هجری دانسته و دو سبب نزول برای آن بیان کرده‌اند. نخست درباره شخصی به نام «حطم» از قبیله «بنی ربیع» که به خدمت پیامبر ^(صلی الله علیه و آله) رسید، ولی بعد از آن گله گوسفندی را دزدید. دیگر سبب نزول این است که مشرکانی در روز فتح مکه به قصد زیارت آمده بودند و تعدادی از مسلمانان می‌خواستند به آن‌ها حمله ور شوند و آیه نازل شد و آن‌ها را از این کار نهی کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۳۶). ولی مشخص است که این دو سبب نزول با تاریخ نزول سوره «مائده» که در حجة الوداع است هم‌خوانی ندارد، چرا که در سوره توبه که قبل از این سوره نازل شده، فرمان قتال مشرکین داده شده است و معنا ندارد که بعد از آن حکم به قتل، و دستور به این‌که مشرکان نزدیک مسجد الحرام نشوند، بفرماید؛ متعرض مشرکین که قصد خانه خدا دارند نشوید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۸۹).

در این آیه بیان شده که در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری نمایید و این یک اصل کلی قانون اسلام است که شامل همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... می‌شود. در آیاتی که پیش از این نیز نازل شده بود همراه با جزئیات این اصل بیان شده بود و در این آیه به صورت کلی بر آن مفاهیم تأکید می‌کند. بر خلاف عقاید دوران جاهلیت، همکاری در مورد

اهداف باطل و گناه‌آلود و ستمکاری، مطلقاً ممنوع است (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۸۹). در فقه اسلامی از آیه قبل برداشت حقوقی شده و برخی از معاملات و قراردادهای تجاری که موجب ایجاد گناه می‌شود، حرام اعلام شده؛ مانند فروش انگور در جهت ساخت شراب، فروش اسلحه به دشمنان حق و عدالت و یا اجاره دادن محل برای انجام معاملات نامشروع و اعمال خلاف شرع که احکام آن‌ها در کتاب‌های فقهی بیان شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۳).

۲-۳-۳. تأکید بر رعایت حقوق مردم توسط همگان

در آیات پیشین تأکید شد روابط مالی بدون مبنای واقعی (باطل) نباشد. در یکی از آخرین آیات قرآن نیز با یادآوری سرگذشت متولیان دینی اهل کتاب تصریح می‌شود حتی به نام دین هم نمی‌توانند به اموال مردم تعرض کنند و به نوعی آنچه در سابق گفته شده بود تکمیل می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُوهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴).

سوره توبه بعد از مائده در مدینه نازل گردید. بخاری نقل کرده که آخرین سوره نازل شده است (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۳۲۹). عابد الجابری و دروزه آن را بیست و هفتمین سوره مدنی قرار داده‌اند (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۴۰). برخی نیز جمع کرده‌اند که بر اساس آیات ابتدایی و آخرین این سوره، و سوره نصر آخرین سوره کامل است ولی در هر صورت نزول آن را بالاتفاق در سال نهم هجرت گفته‌اند (سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۳۲). مقصود از خوردن مال به باطل در آیه آن است که بدون دلیل شرعی اموال را از مردم بگیرند؛ نظیر گرفتن رشوه به منظور صادر کردن حکم به ناحق و گرفتن ربا که در میان یهود شایع بود و نیز همانند فروختن چک‌های غفران که کاتولیک‌ها آن را انجام می‌دهند (بلاغی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۳۵).

۲-۳-۴. جمع‌بندی مرحله سوم

در این دوره نهال جامعه اسلامی تبدیل به درخت شده و مسلمانان تکالیف خود را شناخته‌اند. در زمینه اقتصادی نیز نظام قراردادهای مالی اسلام تبیین شده و با بدعت‌های جاهلی مبارزه شده است. پس در جهت تکمیل احکام پیش‌گفته برخی از جزئیات بیان می‌شود و در جهت جلوگیری از فراموش شدن آن‌ها، به صورت کلی بر خطوط اصلی مبادلات اقتصادی اسلام تأکید می‌شود. آیات این مرحله در جدول ذیل به صورت خلاصه بیان شده است:

جدول ۳: تکمیل و تثبیت قراردادها

سال نزول	پیام آیه	آیه
سال دهم مدنی	پایبندی به قراردادهای از ویژگی مؤمنین (اصالة اللزوم فی العقود)	مائده: ۱
سال دهم مدنی	همکاری‌های اقتصادی بر پایه نیکی و تقوی باشد	مائده: ۲
سال دهم مدنی	حتی عالمان دینی هم نمی‌توانند به اموال دیگران تعرض کنند.	توبه: ۳۴

نتایج (ویرایش شود)

از آنچه گفته شد به دست می‌آید که قرآن کریم در تنظیم نظام حقوقی خود مطابق با مقتضیات عصر نزول چهار اقدام را انجام داده است:

- ۱) امضاء بعضی از قوانین و عقود دوران جاهلی مانند تثبیت «مضاربه» و «اجاره».
- ۲) اصلاح بعضی از قراردادهایی که از اقوام پیشین باقی مانده بود ولی در دوران جاهلی دچار انحراف شدند مانند «مساقات» و «تسلیف» که با شرط معلوم بودن زمان مورد معامله اصلاح گردیدند.
- ۳) اقدام قرآن در حرام اعلام کردن برخی از مبادلات اقتصادی تجاری پیش از اسلام که از جمله آن‌ها ممنوعیت رباخواری و معاملات بدون فایده اقتصادی بود، چراکه آن‌ها موجب ایجاد ناعدالتی اقتصادی در جامعه می‌شدند.
- ۴) اقدام قرآن در تأسیس برخی از قوانین و احکام به منظور انجام عادلانه مبادلات اقتصادی. به عنوان نمونه مالکیت اموال عمومی در اختیار دولت قرار گرفت و همچنین شرایط جدیدی برای تنظیم قراردادهای وضع گردید.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دارالکتب

العربیة.

- افغانی، سعید (۱۹۷۴)، *اسواق العرب فی الجاهلیه و الاسلام*، بیروت: دارالفکر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷)، *الجامع الصحیح*، بیروت: دار الکثیر.
- بغدادی، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲)، *تفسیر تنزیلی (مبانی، اصول، قواعد و فواید)*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۷ش)، «بازخوانی انگاره ربا در قرآن کریم»، *مجله مطالعات قرآن و حدیث*، دوره یازدهم، شماره ۲.
- دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳)، *التفسیر الحدیث*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- دیاری، محمد تقی (۱۳۹۷)، «راهبردهای حل بحران‌های فرهنگی — اجتماعی جاهلیت از منظر قرآن و حدیث»، *مجله مطالعات قرآن و حدیث*، دوره دوازدهم، شماره اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار العلم.
- زرکشی، بدرالدین (۱۳۷۶)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۹۷۴)، *الاتقان فی علوم القرآن*، قاهره: الهیئة المصریة العامه للکتاب.
- شریف‌زاده، محمد جواد (۱۳۹۰)، «ساز و کارهای اعمال قرارداد در اقتصا د اسلامی»، *مجله اقتصا د اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- شریف‌زاده، محمد جواد (۱۳۹۱)، *حقوق و اقتصاد در اسلام*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۷)، *اقتصا دنا*، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصیصیه للامام الشهید الصدر.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، *جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۳)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
- علی، جواد (۱۴۲۲)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بی‌جا: دار الساقی.
- فاضل مقداد، عبدالله (۱۳۷۳)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، تهران: مرتضوی.

- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳)، *زبدۃ التفاسیر*، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، *تفسیر قرآن*، بیروت: دار احیاء التراث.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میبدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱)، *کشف الاسرار و عدۃ الابرار*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه (۱۳۶۱)، *معارج التفکر و دقائق التدبیر*، دمشق: دارالقلم.
- نجفی، محمد حسین (۱۳۸۵)، *جواهر الکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۰)، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، تهران: هستی نما.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱)، *اسباب نزول القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- واقدی (بی تا)، *المغازی*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.